

جایگاه و نقش زن در تحکیم نظام خانواده

عباس قنبری عدیوی^۱؛ الیاس قادری^۲

چکیده

«زن» و در بیان کلی‌تر انسان، برترین خلقت خداوند متعال در میان مخلوقات اوست. یکی از اهداف خلقت زن با توجه به آیات و روایات دین مبین اسلام، تکامل بخشیدن به آفرینش انسان و در مرتبه پایین‌تر تکامل بخشیدن به آفرینش مرد و همچنین بقای نسل انسان است. اهدافی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است، عبارتند از: تبیین چهره، موقعیت و جایگاه زن در آفرینش، جایگاه زن در قرآن و احادیث و توجه به او در دین اسلام، سیر تحول جایگاه زن در فرهنگ و اعصار گذشته ایران، سیمای زن در خانواده و نظام حقوقی ایران و همچنین کارکردهای زن در نقش‌های مختلف در جامعه. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که زن به تکامل رساننده خلقت انسان و جنس مقابل آنان یعنی مردان است. زن و مرد در دین اسلام همواره جایگاه مساوی دارند و اگر در جایی تفاوتی وجود دارد، صرفاً حاصل تفاوتی است که در نقش و وظایف آنان وجود دارد. زنان ایرانی از باستان تاکنون مورد تکریم بوده‌اند و الهه‌ها در برخی فرهنگ‌ها تقدس داشته‌اند. اگر زمانی در حق آنان ستم و یا اجحافی دیده شده است، به سبب عوامل بیگانه یا حاکمان خودکامه بوده است که سعی در به بیگاری کشاندن زنان داشته‌اند. نقش زن در زندگی و خانواده بیش از مرد است. زنان در مسیر پرپیچ و خم زندگی، نقش‌های متعددی همچون نقش دختری، همسری، مادری و غیره را برعهده دارند که برترین آن‌ها مادری است. روش مطالعه این پژوهش از نوع کتابخانه‌ای است و با توجه به اینکه موضوع و محتوای این پژوهش، رویکردی اسلامی ایرانی دارد، پژوهشگران بیشتر از کتب دینی و منابع وابسته به آنان و همچنین از نظریات عالمان، نظریه پردازان و جامعه‌شناسان آگاه به دین اسلام و فرهنگ و خانواده‌های ایرانی استفاده کرده‌اند.

کلیدواژگان: اسلام، ایران، خانواده، زن، نظام حقوقی، مادر.

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول)؛ odivi46@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان؛ elyashghadery@yahoo.com

مقدمه

زن، یکی از مواهب الهی است که برای تکامل بخشیدن به نسل انسان خلق شده است و بنیان استوار کانون خانواده منوط به وجود اوست. اساساً سخن گفتن یا نوشتن از زن بدون شناخت حالات، روحیات، و نیازهای جسمی و روحی آنان بسی دشوار است و این امر زمانی دشوارتر به نظر می‌رسد که یک فرد با جنسیت مخالف (مرد) بخواهد راجع به آنان تحقیق و جستجو و اصطلاحاً نظر بدهد. اما مسلمانان - و همین‌طور ایرانیان که از دیرباز جایگاه و موقعیت والای این خلقت مبارک را درک کرده و شناخته‌اند - نسبت به دیگر افراد ملل و مذاهب، توانایی بیشتری برای تحقیق و بیان نظر راجع به زنان دارند. مسلمانان با در دست داشتن منابع کامل و ارزشمندی همچون کلام الله (قرآن) و احادیث ائمه اطهار (ع) به وضوح پی به سیمای این چهره درخشان برده و تقدس آنان را پذیرفته‌اند؛ زیرا زنان مسلمان همواره از برترین الگوهای تاریخ یعنی حضرت فاطمه (س)، حضرت زینب (س) و دیگر زنان برجسته اسلام تأسی پذیرفته و آنان را راهنما و راهبر خود قرار داده‌اند. همچنین ایرانیان که ملتی دارای فرهنگ و تمدن غنی هستند، همواره به جایگاه زن در خلقت و زندگی خود اذعان داشته‌اند. نسل‌های اخیر این ادعای واقعی را از کتب و پیش‌تر آن را از کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها دریافت کرده‌اند. کشور و فرهنگی که چنین دیدگاهی در مورد زنان دارند و به کارکردها و نقش‌های ارزشمند زنان در موقعیت‌های مختلف زندگی آشنا هستند، این عملکردهای بی‌بدیل را ارج می‌نهند؛ زیرا بدون مشارکت آنان در زندگی همکاری، همیاری و همدلی آنان هیچ موقعیتی برای زندگی و نیل به اهداف والای روحانی و دنیوی نمی‌توان تصور کرد. در این مقاله به اختصار به سیمای زن و بررسی آن در خلقت و آفرینش، چهره زن در اسلام، سیر تحول جایگاه او در ایران، بررسی نظام حقوقی زن در ایران با تکیه بر دیدگاه‌های اسلامی اعم از قرآن، احادیث و نظریات اندیشمندان پرداخته شد و در انتها به نقش و کارکردهای مختلف زن اشاره شده است.

۱. سیمای زن در آفرینش

در آغاز خلقت، انسان‌ها بیش از دو نفر نبودند: آدم و حوا. یکی از آن‌ها زن بود؛ زیرا بدون وجود زن خلقت معنا نداشت و اصلاً تولید نسل صورت نمی‌گرفت و جهان و آفرینش به وضع اکنون نمی‌رسید. اگرچه آفرینش زن در مرحله دوم یعنی پس از حضرت آدم (ع) قرار گرفته است. قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ

حَمَلًا خَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثَقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِيْنَ : اوست که شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن زنش را نیز بیافرید تا به او آرامش یابد. چون با او در آمیخت، به باری سبک بارور شد و مدتی با آن سر کرد و چون بار سنگین گردید، آن دو، الله، پروردگار خویش را بخوانند که اگر ما را فرزند صالح دهی از سپاسگزاران خواهیم بود» (اعراف: ۱۸۹). اما این آفرینش در مرتبه دوم ایراد و عیبی بر او وارد نمی‌کند؛ چون آن دو مکمل هم هستند. از آغاز خلقت تاکنون زن همواره در کنار مرد بوده و هست؛ گرچه اطلاعات کمی درباره زن و زندگی آن‌ها در دوره پیش از تاریخ موجود است. «قدیم‌ترین نشانه‌هایی که از زن در نتیجه پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران به دست آمده به هزاره ششم ق.م یعنی حدود هشت هزار سال پیش تعلق دارد» (لاهیجی و کار، ۱۳۷۷: ۶۰).

اگر مروری بر آفرینش زن و پس از آن شود، این مهم به دست خواهد آمد که زن به خصوص نقش مادری او، همواره مورد احترام و تقدس بوده است. به نحوی که «تقریباً در تمام مذاهب یادگار الهه مادر را که به شکل ساده مجسم شد، حفظ کرده‌اند، مردم در آن مبدأ وجود را تقدس کرده، آن را نشانه باروری و فراوانی می‌شناختند» (همان، ۷۹).

در آفرینش زن و مرد، هیچ تفاوتی نیست؛ «زیرا در قرآن هدف از آفرینش عبودیت و بندگی است» (مهریزی، ۱۳۸۱: ۲۴). این تفاوت‌هایی که صورت می‌گیرد و گاهی اوقات اینگونه تصور می‌شود که مردها خود را برتر از زن‌ها می‌دانند، در واقع ناشی از تقسیم‌بندی نقش‌ها و نحوه عملکرد هر کدام از آنان در زندگی است؛ گاهی نیز هدف از این تقسیم‌بندی‌ها تعصب فرهنگی یا به علت نداشتن شناخت زنان از طرف مردان است. «دیدگاه اشتراک و برابری زن و مرد در آن نیت به معنای نفی هرگونه تفاوت میان زنان و مردان یا نفی تفاوت راه‌های آن دو برای رسیدن به کمال نیست. خداوند از آفرینش مرد و زن به منزله دو جنس از یک حقیقت، اهدافی حکیمانه داشته است و هیچ کدام بر دیگری برتری ندارد» (علاسوند، ۱۳۹۱: ۴۶). چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ: و جن و انس را نیافریدیم جز برای آنکه ما را بپرستند» (ذاریات: ۵۶). در بعضی از داستان‌ها و افسانه‌های پیشین که راجع به آفرینش زنان بیان شده، آن‌ها را موجوداتی برتر و والا نشان داده است. «در افسانه‌های پیدایش، نقش زنان در چهره زمینی و آسمانی بسی درخشان‌تر و برجسته‌تر از دوره‌های بعدی است» (لاهیجی و کار، ۱۳۷۷: ۱۰۴). هرچند در این خصوص نظر یکسانی وجود ندارد بلکه برخی راجع به عقل زنان شک و شبهه‌هایی بیان کرده‌اند که گاهی از آن به ناقص‌العقل بودن تعبیر می‌شود که این نظریه و شبهه هم

به طور دقیق و کامل قابل پذیرش نیست. «زنان در عقل عملی نه تنها ضعیف‌تر از مردان نیستند بلکه مساوی و در برخی امور برتر از مردان هستند» (معین‌الاسلام، ۱۳۸۰: ۹۶). البته معین‌الاسلام در کتابش دلیل چندانی راجع به این نظر نیاورده است؛ اگرچه موضوع بحث شده به خودی خود رد می‌شود و نیازی به آوردن دلیل برای تأکید کمال عقل زنان نیست.

۲. سیمای زن در قرآن

زن در اکثر تعالیم دینی، به ویژه نقش آن در زمینه مادری، مورد احترام بوده است؛ چنان که پیشتر هم بیان شد در بیشتر ادیان، الهه مادر همواره مورد پرستش واقع می‌شد (لاهیجی و کار، ۱۳۷۷: ۷۸). در این میان قرآن کتاب مقدس مسلمانان، نقش و جایگاه آن‌ها را بهتر از هر کتاب مقدس دیگری بیان کرده است؛ به طوری که اگر سیمای واقعی زن جستجو شود، مرجعی بهتر از قرآن پیدا نخواهد شد. قرآن در بسیاری از سوره‌های خود در مورد زن بحث کرده است و حتی دو سوره را به نام آن‌ها نامگذاری کرده است: «یکی سوره النساء الکبری که مشهور به سوره نساء یعنی زنان است و دیگری سوره النساء الصغری که مشهور به سوره طلاق» (فهیم کرمانی، ۱۳۶۶: پیش‌گفتار). اینکه قرآن در ده سوره در مورد زنان بحث می‌کند و حتی دو سوره به نام زنان می‌آورد، خود دلیل محکمی بر ارزش وجودی آن‌هاست. در اندیشه‌های اسلامی و قرآن، زنان در مسیر مواهب رشد و توانایی همان مقامی را دارند که مردان صاحب آن هستند. «از نظرگاه اندیشه اسلامی، زن انسانی است که همه مواهب رشد را داراست، نقص و خللی در جوهر وجودش نیست، ابزار تکامل و رشد را به اندازه مردان واجد است که در حیات و آفرینش وجودی مستقل دارد و طفیل دیگری نیست؛ زیرا خداوند انسان را آفرید و برای بقای انسان او را به صنف زن و مرد تقسیم کرد» (مهریزی، ۱۳۸۱: ۱۳). تقسیم‌بندی موجودات انسانی به مذکر و مؤنث در جهان مادی به صورت یک اصل، پذیرفته شده است که بیشتر مربوط به وظایف و عملکرد هر کدام از این دو نوع است؛ اگرچه از دیدگاه اسلام و قرآن، زن و مرد هیچ برتری‌ای نسبت به هم ندارند؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد در اکثر موارد یکی هستند. همچنان که در قرآن آمده است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً. وَچون پروردگار به فرشتگان گفت من در زمین خلیفه‌ای می‌آفرینم» (بقره: ۳۰). در این آیه صحبت از موجودی است که قرار است در روی زمین خلیفه شود اما بیان نشده که آن موجود مرد است یا زن. می‌توان نتیجه گرفت که ممکن است این خلیفه در روی زمین زن نیز باشد که در این صورت با مرد برابر و یک جایگاه دارد. یکی

از ویژگی‌های اساسی که به زن شخصیت والایی می‌دهد و او را از هر گزندی حفظ می‌کند، ایمان اوست. «شخصیت والای زن همیشه از دریچه ایمانش متجلی می‌گردد و این ایمان است که گوهر تابناک وجود زن را از گزند ناپاک‌دلان، در پناه دژی به نام تقوا و عفاف، همیشه حراست می‌کند» (خلیلیان، ۱۳۵۱: ۴۳-۴۴). یکی از توصیه‌های قرآن به پیامبر (ص) پذیرفتن زنان با ایمان است. «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ: ای پیامبر، چون زنانی که دل به ایمان بسته‌اند، نزد تو آیند تا بیعت کنند، آنان را بپذیر. مشروط بر این که هرگز شرک نوززند، دست و دامان به ناپاکی نیالایند...» (ممتحنه: ۱۲).

گاهی اوقات زنان احساس می‌کنند که مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و در قیاس با مردان ارزش کمتری دارند، خداوند در قرآن راجع به آن‌ها می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ...: مردان و زنان مسلمان، مؤمن، فروتن، راستگو، بردبار، نرم دل، بخشنده، روزه‌دار، عقیف و خدانشناس خداوند برای ایشان آمرزش و پاداش بزرگ آماده کرده است» (احزاب: ۳۵). خداوند در آیه فوق با برشمردن صفات نیکو و پسندیده، زنان را در مرتبه مردان قرار داده است و در پاداش و روزی دادن نیز در ردیف مردان قرار گرفته‌اند.

در نهایت تفاوت مرد و زن در انجام بعضی از کارها و اعمال انکارناپذیر است اما تنها چیزی که می‌تواند مایه برتری زن و مرد نسبت به یکدیگر شود، تقوا و عمل صالح است. آن چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ: ای مردم، ما همه شما را نخست از یک مرد و زن آفریدیم و به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. همانا بزرگوار و گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است» (حجرات: ۱۳).

۳. سیمای زن در احادیث

پس از قرآن کریم، سنت و احادیث گهربار پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) هستند که جایگاه زن و ارزش آن‌ها و بسیاری از جنبه‌های دیگری چون وظایف، ارتباط با دیگران، شیوه زندگی، نحوه ارتباط با همسر و غیره را مشخص کرده است. در حدیثی از رسول خدا (ص) نقل شده است: «النِّسَاءُ شَفَائِقُ الرُّجَالِ: زنان همتای مردان هستند» (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۹۳/۵). حضرت فاطمه زهرا (س) فرموده‌اند: «الزَّمُّ رَجُلَهَا، فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِهَا: همیشه در خدمت مادر و پایند او باش،

چون بهشت زیر پای مادران است و نتیجه آن نعمت‌های بهشتی خواهد بود» (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ هـ.ق: ۱/۹۱۰). یکی از معانی که از این حدیث دریافت می‌شود آن است که مادران در شرایط سختی که هم به کارهای خانه می‌پردازند و هم کارهای همسررداری را انجام می‌دهند، یک امر مهم‌تر برعهده دارند، آن‌هم نسل‌آفرینی و مستدام داشتن زاد و ولد است. پیامبر (ص) در بسیاری از سخنان گهربارشان مردان را به احترام زنان سفارش کرده و از بی‌احترامی به آن‌ها نهی فرموده است: «خِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ: بهترین شما کسانی هستند که برای زنان خود بهتر باشند» (پاینده، ۱۳۸۲: ۱/۴۶۵). در این حدیث دو امر مهم متصور می‌شود: اول این که یک نوع برداشت توصیه به ازدواج از آن در ذهن مجسم می‌شود؛ زیرا تا مردها با زن‌ها ازدواج نکنند، بهتر یا بدتر بودنشان آن چنان مشخص نمی‌شود. دیگر آن که ارج و مقام دادن به زن است؛ زیرا زن باید مقام والایی داشته باشد که باید مردها با آن‌ها خوش رفتار باشند یا آن‌ها را مورد تکریم قرار دهند تا از نظر پیامبر (ص) بهترین انگاشته شوند. یکی از نکاتی که قرآن و ائمه اطهار (ع) راجع به آن، به زنان سفارش زیادی کرده‌اند و آن را باعث قرب زن می‌دانند، به نیکی یاد کردن از شوهرانشان است. «زن نیک‌بخت آن است که شوهرش را به نیکی یاد کند و هر جا اسمش به میان آید، بر شخصیت و اعتبار وی بیفزاید» (خلیلیان، ۱۳۵۱: ۱۵۵).

امام علی (ع) نیز در آخرین روزهای عمرش پس از ضربت خوردن، فرزندانش را جمع کرد و به آن‌ها و همه مردم تاریخ سفارش کرد: «اللَّهُ، اللَّهُ، فِي النِّسَاءِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، فَإِنَّ آخِرَ مَا تَكَلَّمُ بِهِ نَبِيُّكُمْ أَنْ قَالَ: أَوْصِيكُمْ بِالضَّعِيفِينَ: النِّسَاءِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ: خدا را، خدا را نسبت به زنان و بردگان؛ زیرا آخرین سخن پیامبر این بود: شما را نسبت به زنان و بردگان سفارش می‌کنم» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ هـ.ق: ۱/۱۹۷). از این حدیث می‌توان برداشت کرد که در آن زمان چون برده‌داری رایج بود و دیدگاه اعراب نسبت به زن‌ها بهتر از بردگی نبود و گاهی زنان از مرحله بردگان نیز پایین‌تر می‌آمدند، توصیه کرده که با آن دو گروه با مسالمت برخورد شود و نسبت به آن‌ها بی‌احترامی نکنند. پیامبر اسلام (ص) پیوسته به یاران خویش در مورد زنان سفارش می‌کرد و زنان را امانت خدا می‌خواند. از جابر بن عبدالله روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) در خطبه حجة الوداع ارشاد فرمودند: «إِتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَ اسْتَحَلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ: درباره حقوق زنان از خدا پروا دارید؛ زیرا شما آنان را به عنوان امانت الهی در اختیار گرفته‌اید و کامجویی از آنان را با کلمه الهی (عقد و نکاح) بر خود حلال ساخته‌اید» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۱۰/۱۰۶؛ ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۱/۵۳).

پیامبر اسلام (ص) در مورد کسانی که زنان را بزرگوار و یا پست می‌شمارند، فرموده‌اند: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَاَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مَا أكرمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَا أَهَانِهِنَّ إِلَّا لئِيمٌ: بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است، من از همه شما برای کسان خود بهترم. بزرگ مردان زنان را گرامی شمارند و فرومایگان زنان را خوار دارند» (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۷۲/۱).

۴. سیر سیمای زن در جامعه ایران

در این قسمت سعی بر آن است که خلاصه‌ای از سیر و تحول جایگاه زن در جامعه ایران از گذشته - پیش از اسلام - تا سال‌های اخیر بررسی شود. در طول تاریخ باستان، زنان در جامعه ایران به خصوص در دوره هخامنشی و ساسانی - صاحب جایگاه بالایی بوده‌اند؛ به طوری که حتی در امور حکومتی و پادشاهی نیز صاحب‌نظر بوده‌اند و اعمال نفوذ داشته‌اند. «زنان دربار هخامنشی، مانند آتوسا، آمتریس و پاریساتیس در نوشته‌های مورخین یونانی، ملکه‌های مقتدری معرفی شده‌اند که در پادشاهان هخامنش نفوذ زیادی داشته‌اند و در تصمیم‌گیری‌های آنها نقش مهمی ایفا می‌کرده‌اند. درباره نقش این سه زن در وقایع دوران پادشاهان هخامنش در آثار هرودت و مورخ معروف دیگر یونان کنزیانس تأکید شده است» (بروسیوس، ۱۳۸۹: ۳۲). در ادیان پیش از اسلام نیز زنان در جامعه ایران از منزلت و موقعیت خاصی برخوردار بوده‌اند؛ مثلاً در دین زردتشت، زنان آزادی زیادی داشته‌اند که این آزادی به دلیل ارزش وجودی آنها بود؛ نه مسئله بی‌بند و باری. «در زمان زردتشت زنان منزلت عالی داشتند، با کمال آزادی و با روی گشاده در میان مردم آمد و شد می‌کردند» (حیدری، ۱۳۸۸: ۲۰).

افزون بر سلسله هخامنشی در ایران، سلسله ساسانی نیز به زن اهمیت زیادی می‌داد و زنانی نیز در این سلسله به پادشاهی رسیده‌اند که نشان‌دهنده موقعیت بالای زن ایرانی در آن زمان بوده‌اند. «در دوران ساسانیان زنانی همچون پوراندهخت و آذرمیدخت به پادشاهی رسیدند» (بروسیوس، ۱۳۸۹: ۲۱۸).

از دوره‌های مذکور به بعد، زنان جامعه ایرانی به دلیل سلطه خلفای مرد سالار اموی و عباسی و نفوذی که بر روی حاکمان و امیران ایران داشته‌اند و افزون بر آن ورود اقوام و سلسله‌های زن‌ستیزی همچون ترکان، مغولان و غیره و تأثیر آنها بر فرهنگ غنی ایران کم‌کم اعتبار و جایگاه خود را از دست دادند. از آن زمان به بعد تا انقلاب مشروطیت، زنان ایران همواره در وضعی تحقیرآمیز به سر می‌بردند، تا اینکه به واسطه این انقلاب و ارتباط با دنیای روشنفکرانه غرب، وضعیت زن

ایرانی بهتر شد. مشروطیت، یکی از مهم‌ترین رخداد‌های تأثیرگذاری بود که ایران را متحول کرده است. پژوهشگران معتقدند زنان عموماً در کشورهای توسعه نیافته و جهان سوم از جمله کشور ایران موقعیت متزلزل و پایینی داشته‌اند و زمانی که در کشورهای اروپایی بین زنان و مردان هیچ فرقی نبود، در ایران دختران حتی حق درس خواندن نیز نداشتند. از زبان یک دختر ایرانی در نوشته‌ای آمده: «ما را از پنج سالگی به مکتب می‌گذاشتند و آن هم نه همه دختران را؛ بلکه ندرتاً. نه ساله که می‌شدیم از مکتب بیرونمان می‌آوردند. اگر کتاب می‌توانستیم بخوانیم و یا خط می‌توانستیم بنویسیم، پدران عزیزمان با تغییر کتاب و قلم را از دستمان گرفته، پاره کرده و شکسته و به دور می‌انداخته‌اند که چه معنا دارد دختر خط داشته باشد، مگر می‌خواهید منشی بشوید ...» (امامی، ۱۳۸۶: ۱۵).

در ایران پیش از مشروطیت - و حتی گاهی در این دوره - برای خطاب به زنان از واژه «ضعیفه» استفاده می‌کردند؛ این اصطلاح دال بر این است که آن‌ها موجوداتی ضعیف، کم‌توان و ... متصور می‌شدند. یکی از مسافران اروپایی که به ایران در عصر مشروطیت سفر کرده بود می‌نویسد: «بدبخت‌ترین و مظلوم‌ترین اهل عالم، زن‌های ایرانند، به خصوص ساکنین شهرهای بزرگ ... که نه سواد و شغلی تا بر تحصیل رزق قادر شوند ... هر نوع سختی به آن‌ها وارد آورده، ضرب و شتم را لازمه آن‌ها فرض کرده و آلت خدمت تصور نموده، ابداً از حقوق انسانیت برای آن‌ها قائل نمی‌شوند ...» (همان، ۱۵). اما رفته‌رفته و با وجود پیشرفت علم و صنعت و ارتباط با کشورهای غربی و آشنا شدن با حقوق بشر، حق زن، وضع و موقعیت آن‌ها در ایران پس از مشروطه تا حدودی بهتر شد و روند رو به رشدی داشته‌اند. زن ایرانی در جامعه دیگر آن زن ضعیف و بی‌خرد تصور نمی‌شد، بلکه همانند مردان صاحب موقعیت، رتبه و ارزشمند شد به نحوی که حتی: «زن ایرانی، در تأسیس بانک ملی، حمایت و مشارکت بسیار جدی و حضور آگاهانه در دفاع از مجلس شورای ملی، به عنوان یکی از دستاوردهای انقلاب مشروطیت داشته‌اند و در این راه نه تنها از مردان پیشی گرفته‌اند، بلکه عامل تحریک جامعه برای دستیابی به بانک ملی بودند» (همان، ۲۹).

به نظر نگارنده با توجه به مطالعات و تحقیق‌های انجام شده، انقلاب مشروطیت نقطه عطف بیداری زنان در جامعه ایران است؛ به نحوی که پس از این واقعه آن‌ها خود را باور کردند و محور توسعه بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ... شدند. در مسئله «حقوق و تکالیف» زنان در جامعه نیز هم قوانینی وضع شده است که در بسیاری از آن قوانین با مردها مشترک هستند. «طبق قوانین انسان دوستانه اسلام، زن در جامعه اسلامی می‌تواند مالک شود، در اموال خود تصرف کند، از خویشاوندان خود ارث ببرد، تحصیل علم کند و حتی به طریق مشروع

کسب و تجارت نماید و از نظر معاشرت و شرکت در امور اجتماعی آزاد است تا حدودی که با عفت و پاکدامنی منافات نداشته باشد» (موحد، ۱۳۸۹: ۱۸۲).

مسئله دیگری که زنان در جامعه موظف به انجام آن هستند، مسئله «حجاب» است؛ بدین سبب که حجاب برای آن‌ها پناهگاه و مأمن مناسبی است و آن‌ها را از دستبرد و تعرض دیگران حفظ می‌کند. «تجربه اکثر زنان از نقص حقوق بشر جنسیتی است و بسیاری از اشکال تبعیض یا سوءاستفاده به این دلیل رخ می‌دهد که زن قربانی می‌شود» (همان: ۱۸۳). به سبب همین تعرض‌ها و تجاوزات ظالمانه است که در احادیث و مکتب اسلام سفارش‌های زیادی راجع به پوشش و حجاب زن آمده است. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمُ الْوَلُودُ الْوَدُودُ لَعَفِيفَةٌ، الْعَزِيزَةُ فِي أَهْلِهَا، الذَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا، الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحِصَانُ عَلَى غَيْرِهِ الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ أَمْرَهُ...» بهترین زنانان، آن زن زایا، بسیار مهربان و پاکدامن است که برای شوهرش خودآرایی می‌کند و از غیر او خود را محفوظ نگه می‌دارد، حرف شوهرش را می‌شنود و فرمان او را اطاعت می‌کند...» (کلینی، ۱۴۲۹هـ.ق: ۳/۳۲۴).

یکی از عملکردهایی که زنان را به عرصه سالم اجتماع و جامعه می‌کشاند و به آن‌ها ارج و منزلت فراوانی می‌بخشد، تحصیل علم و دانش است. «آموزش یکی از مهم‌ترین ابزارهایی است که موقعیت زنان را بالا برده و به آنان به صورت مستقیم و غیرمستقیم قدرت بیشتری در جامعه اعطا می‌نماید. از طریق دانش و آگاهی، حمایت‌ها و اتکای به نفس که در آن‌ها به وجود می‌آید، می‌توانند در فرایند توسعه، مشارکت نسبتاً بالایی داشته باشند» (موحد، ۱۳۸۹: ۱۸۳). درباره فعالیت زن در جامعه ایرانی در چند دهه گذشته باید گفت: «زنان ایران به این نکته رسیدند که اگر شغل و درآمد داشته باشند، قدرت دارند و خود به خود در مسائل شرکت داده می‌شوند و این قدرت هم براساس نیاز جامعه به دست می‌آید و هم عوامل خارجی باعث شده که این زمینه در ایران به وجود بیاید» (دورباش، ۱۳۸۹: ۲۱۱).

چند عامل از عوامل خارجی که باعث بیداری زنان شده است، عبارتند از: آگاهی از جهان غرب و کشورهای دیگر، آشنایی با حقوق بشر، مطالعه روزنامه‌ها و نشریه‌های داخل و خارج، مسافرت بعضی از زنان ایران به خارج از کشور و یا مسافرت زنان کشورهای دیگر به ایران و تبادل اطلاعات، بازگشت به خویشتن (شعار بیشتر مبارزان علیه استبداد و استعمارگران دوران مشروطه از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی) بازنگری و توجه بیشتر به نگاره‌های مکتب اسلام، الگو قرار دادن بانوان اسوه‌ای همچون دخت پیامبر (ص)... را می‌توان به عنوان عواملی دانست که توجه به

مقام زن را بیشتر کرد و پس از آن بود که زنان خود به صورت‌های گروهی و یا انجمنی توانستند از حقوق خود دفاع کنند.

۵. سیمای زن در خانواده

هنگامی که بحث از زن در خانواده می‌شود، ناخودآگاه پای مرد نیز به میان می‌آید؛ زیرا وجود زن در خانواده در یک صورت قابل برداشت است و آن هم در کنار مرد بودن است و این امر تنها با ازدواج میسر می‌شود. هر چند ممکن است زنانی در خانواده باشند که از وجود مرد بی‌بهره باشند^۱ اما وجود مرد را نمی‌توان انکار کرد. در این بخش به نقش‌هایی پرداخته می‌شود که زن باید در خانواده و پس از ازدواج ایفا کند، تا به این منظور وارد حیطه خانواده شود. در این قسمت دیدگاه نگارنده راجع به این موارد، بیشتر از دیدگاه اسلام و قرآن بیان شده است.

۵.۱. زن و بقای نسل انسانی در خانواده: یکی از دلایل مهم که مرد و زن با یکدیگر در جهت پیشبرد آن تشکیل خانواده می‌دهند و امر مقدس ازدواج را پایه آن می‌گذارند، وجود بقای نسل انسانی و به وجود آوردن فرزند است. قرآن کریم در آیه‌ای از ازدواج به عنوان کشت و برداشت یاد کرده است. «نِسَاءُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَاتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ: زنان شما کشتزار شما هستند. پس (برای کشت فرزند صالح) به آنان نزدیک شوید...» (بقره: ۲۲۳). مسلماً هر کسی که در زمین کشت و زرع می‌کند، هدفش از آن برداشت محصول است و این که خداوند، زن را به کشتزار تشبیه کرده، هدفش برداشت از آن است و این برداشت می‌تواند اشاره به بقای نسل و زاد و ولد داشته باشد. رسول اکرم (ص) در حدیثی فرموده‌اند: «تَنَاقَحُوا تَكْتُمُوا فَآتَى أَبَاهِي بِكُمْ أَلَمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: ازدواج کنید تا عده شما بسیار شود؛ زیرا من در روز رستاخیز به فزونی شما بر امت‌های دیگری افتخار می‌کنم» (پاینده، ۱۳۸۲: ۳۹۰/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ هـ.ق: ۲۱۶/۱۰۰). در این حدیث صراحتاً یکی از اهداف ازدواج را بقای نسل و ازدیاد فرزند معرفی کرده است. توجه به این مهم را در حدیث مشهور پیامبر (ص) می‌توان دید: «النُّكاحُ سُنتِي، فَمَنْ رَغِبَ عَن سُنتِي فَلَيْسَ مِنِّي: ازدواج از سنت من است. هر کس ازدواج نکند، از من نیست» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۸: ۲۲۴۸/۵).

۵.۲. زن و سکون و آرامش در خانواده: از دیگر اهداف زن در خانواده این است که موجب سکون و آرامش برای مرد می‌شود، کما این که خود مرد نیز مایه آرامش زن می‌شود. خداوند در

۱. منظور زنان بیوه است.

قرآن می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً: از نشانه‌های عظمت خدا آن است که آفرید برای شما از خودتان جفت‌هایی تا آرام گیرید، به سوی آن‌ها و قرار داد بین زن و مرد (در سایه ازدواج) دوستی و مهربانی» (سوره روم: ۲۱). در آیه فوق، آفریدن زن و مرد از یک جنس و قرار دادن آن‌ها به صورت یک جفت را مایه انس و آرامش معرفی می‌کند. این دال بر این است که زن و مرد نیازمند و تکمیل‌کننده یکدیگر هستند و هیچ کدام بدون دیگری به آرامش و سکون خاطر نمی‌رسد.

۳.۵. زن و مشارکت در حیات معنوی خانواده: وجود زن در خانواده و ازدواج آن‌ها باعث می‌شود که آن‌ها در حیات معنوی موفق‌تر عمل کنند؛ البته ازدواج را در صورتی مایه مشارکت در حیات معنوی می‌دانند که طرفین هر دو مسلمان باشند؛ چنان که خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا مُمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَ لَوْ أَعَجَبْتَكُمْ: کنیزان با ایمان از زنان آزاد بت پرست بهترند؛ هر چند زیبایی او شما را به اعجاب وا دارد» (بقره: ۲۲۱).

۴.۵. زن و تربیت نسل و اولاد در خانواده: شاید پس از امر ازدواج و اقدام به تولید نسل و بقای نوع، مهم‌ترین چیزی که یک زن باید در خانواده بانی آن باشد، تربیت نسل و فرزندان است. اگرچه امروزه مسئله تربیت یک مسئله دو طرفه بین زن و مرد است - پس از آن در محیط‌های دیگری، مربیانی اقدام به تربیت آنان می‌کنند- اما به دلیل حضور مداوم تر زن در خانواده، این جریان بیش از بقیه بر عهده زن است. وجود زن در خانواده که با ازدواج صورت می‌گیرد در ایران پیش از اسلام نیز امری پسندیده بود. «به نظر می‌رسد که یکی از سنت‌هایی که فریدون آن را ایجاد کرده، آیین و مراسم بلوغ و چگونگی ازدواج است که در دین کهن آن را مرعی می‌داشتند و پسندیده می‌دانستند» (لاهیجی و کار، ۱۳۷۷: ۳۲۲) چگونگی آیین بلوغ و همسرگزینی، چنان که در داستان فریدون استنباط می‌شود، می‌تواند نمونه نخستینی باشد برای زن و مرد که رفتاری مقدس در کانون خانواده داشته و هر کدام وظایفی مخصوص به خود را دارند. «در نظام حیات خانواده در اسلام، مرد مسئول تهیه نان و معیشت برای اعضای خانواده و زن موظف به اداره کانون، ایجاد گرمی و آرامش در آن و اداره و تربیت فرزندان است» (قائمی، ۱۳۶۳: ۳۴). توجه به نقش محوری زن در نهاد خانواده، به قدری مهم و حائز اهمیت است که به عنوان یکی از اصول اساسی شورای عالی انقلاب فرهنگی تأیید و تصویب شد: «تربیت و عواطف اجتماعی به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های نظام انسانی از خانواده نشأت می‌گیرد و توجه به نقش محوری زن به عنوان محور عاطفه و تربیت و نقش محوری مرد در امر تربیت و تأمین معیشت و اداره زندگی، امری ضروری است» (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۴).

۵.۵. زن در نقش مدیریت کانون خانواده: زن چه در حضور و چه در غیاب مرد در واقع به نوعی مدیر خانواده محسوب می‌شود که این جریان در غیاب مرد، نمود بیشتری پیدا می‌کند. «زن مدیر خانه و کانون است. وظیفه گرداندگی و گرمی آن را او برعهده دارد. رفتارها در خانواده باید تابع زن باشد نه تابع خواست دیگران و حتی شوهر» (قائمی، ۱۳۶۳: ۱۶۳) در مورد زن برای مدیریت کانون خانواده باید به دو نکته اشاره کرد: اول کدبانویی زن و دیگر گرمی کانون خانواده. در زمینه کدبانویی زن باید به این مطلب توجه کرد که زن کُلَّت نیست بلکه کدبانو است و این وظیفه در نهاد و سرشت او وجود دارد و نیازی به تحکم و امر و نهی نیست؛ نباید فراموش کرد هرکاری در توان زنان نیست و از سپردن هر امر ناممکنی به آنان باید پرهیز کرد؛ چرا که قوه روحی آنان لطیف و قوای جسمی آنان ضعیف است. امام علی (ع) می‌فرماید: «وَلَا تُمَلِّكِ الْمَرْأَةَ مِنْ أَمْرِهَا مَا جَاوَزَ نَفْسَهَا فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ...» کاری که برون از توانایی زن است به دستش مسپار، که زن گل بهاری است؛ لطیف و آسیب‌پذیر (ظریف و آسیب‌پذیر) است نه پهلوان و کار فرما و در هر کاری دلیر...» (سیدرضی، ۱۳۸۶: نامه ۳۱).

از لحاظ گرمی کانون خانواده، باید توجه شود که زن به دلیل ارتباطش با تمام اعضای خانواده باید بتواند محیط اطراف را گرم و صمیمی نگه دارد. «زن مسئول گرمی کانون خانواده و ایجاد زمینه برای فراغ و آسایش شوهر است. او وظیفه دارد کانون را به صورتی گرم و دلخواه درآورد و با جالب و جذاب کردن آن، محیط را برای زندگی مساعد سازد» (قائمی، ۱۳۶۳: ۱۶۴).

۵.۶. زن و نقش اقتصادی آن در خانواده: درست است که مرد وظیفه دارد تا هزینه‌ها و نیازهای خانواده را تأمین کند اما این زن است که نحوه هزینه‌ها و دخل و خرج را بر عهده دارد؛ بنابراین باید بتواند با برنامه‌ریزی مناسب با توجه به بودجه‌ای که در دست دارد، نیازهای خانواده را تأمین کند و از اسراف و تبذیر جلوگیری کند و اگر در این میان بتواند، به جهت پیشبرد اهداف اقتصادی کارهای جانبی چون ریسندگی، بافندگی و غیره، انجام بدهد، کمک شایانی به اقتصاد خانواده کرده است یا اگر تحصیل کرده باشد در خصوص رشته تحصیلی و آموزشی خود با شغلی که بتواند انجام دهد، نقش مهمی در اقتصاد خانواده ایفا خواهد کرد.

زنان با اموالی که شوهرانشان در اختیارشان می‌گذارند، باید امانت‌دار باشند و به آن‌ها دست درازی نکنند. «امانت‌داری زن سبب می‌شود که شوهر در زندگی اعتماد داشته باشد و این اعتماد سبب می‌شود که کار مرد در محل کارش با اطمینان و حسن نیت باشد» (همان، ۱۹۲).

۶. سیمای زن در نظام حقوق ایران

«به هیچ مبحث و دیباچه‌ای، قضا نوشت

برای مرد کمال و برای زن نقصان»

(اعتصامی، ۱۳۸۲: ۱۸۷)

امروزه یکی از مسائل مهم و مورد توجه جامعه بین‌المللی، مسئله حفظ و رعایت حقوق زنان، مراعات تساوی حقوق زن و مرد و پرهیز از تبعیض بر اساس جنسیت است، اما همواره در اعصار گذشته حقوق زنان به علت‌های مختلف از بین رفته یا نادیده گرفته می‌شد. این امر موجب نگرانی آن‌ها را فراهم می‌آورد؛ اما در دوران معاصر سعی بر این است، تا این حقوق از دست رفته، دوباره به آنان بازگردانده شود. در کشور ایران علی‌رغم تلاش‌های زیادی که می‌شود و همچنین بر اساس دین مبین اسلام تا حد امکان حق و حقوق آن‌ها مشخص شده است، با این حال تبعیض‌هایی نیز مشاهده می‌شود. مثلاً در زمینه «شغلی» محدودیت‌های زیادی دارند. «در حال حاضر دو نوع محدودیت شغلی برای زنان، طبق قوانین ایران وجود دارد که یکی ممنوعیت برخی از مشاغل به خاطر منع شرعی یا به لحاظ مصالح ملی و امنیتی و رعایت وضع خاص و دیگری محدودیت مربوط به زن شوهردار از اشتغال به مشاغل منافی مصالح خانوادگی است» (مهرپور، ۱۳۷۹: ۳۷). راجع به دیدگاه نخست شاید بتوان پذیرفت اما در مورد محدودیت اشتغال زنان شوهردار باید متذکر شد بعضی از مشاغل هستند که مربوط به زنان است و بهتر است خود زنان به آن‌ها اشتغال داشته باشند؛ در غیر این صورت حقوق زنان مراجعه‌کننده از بین می‌رود. «اگر قرار باشد که زنان فقط به مشاغلی پردازند که عُرف اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی و سنتی آن‌ها را مناسب می‌داند، نوعی تقسیم جنسی مشاغل زنانه و مردانه حاکم خواهد شد و نتیجه آن خانه‌نشین شدن و پرداختن به کارهای خانگی برای برخی از زنان خواهد بود» (قربان‌نیا، ۱۳۸۴: ۲/۲۷۹).

از دیگر اشکال نظام حقوقی که محدودیت‌هایی برای زنان ایجاد کرده، امر «قضاوت» است. «طبق نظر و فتوای معروف فقهای اسلام در شرع اسلام، مرد بودن از شرایط اشتغال به قضاوت و زنان حق قاضی شدن به معنای عهده‌دار شدن رسیدگی دعوی و رأی دادن ندارند. از همین رو ماده واحده قانون شرایط انتخاب قضاوت مصوب سال ۱۳۶۱ مقرر داشته است: قضاوت از میان مردان واجد شرایط انتخاب می‌شود» (مهرپور، ۱۳۷۹: ۳۷).^۱ محدودیت دیگری که برای

۱. نگارنده به دلیل جلوگیری از اطاله کلام از بیان شرایط مردان در امر قضاوت خودداری می‌کند.

زنان متصور است، اشتغال در «نیروهای مسلح» است. «طبعاً این محدودیت نیز در جهت ملاحظه وضعیت خاص زنان و مصالح امنیتی کشور است و تبعیض ناروا در احراز مشاغل محسوب نمی‌شود» (همان، ۳۸). این حقیقتی است که اشتغال در نیروهای مسلح به دلیل تحرک و جنب و جوش زیاد، مناسب زنان ایرانی نیست زیرا که وضعیت پوششی خاص آنان مانع از تحرک آنها می‌شود. اما در این نهادها به کارهای دفتری و کارهای ساده‌تر می‌توانند بپردازند. مسئله دیگری که باید به آن پرداخته شود، مسئله «شهادت» (گواهی) زنان در امور جزایی و مدنی است. شهادت در امور کیفری برای زنان به دو قسمت تقسیم شده است: نخست، شهادت زنان پذیرفته می‌شود اما شهادت زن همانند شهادت مرد نیست، مانند ماده ۷۴ قانون مجازات اسلامی که چنین مقرر می‌دارد: «زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم به شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود» (قربان‌نیا، ۱۳۸۴: ۱/۲۲۷). در قسمت آخر دو زن برابر با یک مرد تصور شده است. در اینجا این شبهه پیش می‌آید، اگر زن از نظر ارزش و ترتیب اثر شهادت، کامل است و می‌تواند همانند یک مرد شهادت بدهد و با او مساوی باشد این شبهه با مراجعه به احکام اسلامی و قوانین حقوقی مشخص شده است و این مواجهه متکی به نوع رفتار و روان‌شناسی زن در برخورد با برخی از مسائل است. زنان به سبب حجب و حیایی که در وجود خود دارند، نمی‌توانند در برخورد با مسائلی از جمله زنا و قتل شهادت دهند؛ زیرا آنان به دلیل وجود شرم نمی‌توانند به طور کامل یک صحنه زنا را شرح و گواهی دهند و یا صحنه دل‌آزار قتل روحیه زن را متأثر می‌کند. اما مردان که روحیه خشن‌تر و حساسیت کمتری نسبت به این موارد دارند، بهتر قادر خواهند بود این چنین قضایایی را کنکاش و توضیح دهند؛ بنابراین برای این که احتمال خطا در قضاوت کاهش یابد نیاز هست شهادت دو زن برابر با یک مرد باشد (شاکرین، ۱۳۸۴: ۳۵۰). این واقعیت را نیز نباید از یاد برد که در مواقعی جرمی یا مسئله‌ای به وجود می‌آید که غیر از زنان شاهد دیگری از جنس مردان وجود ندارد و به سبب همان واقعیت روان‌شناختی که در زنان وجود دارد، باید دو زن شهادت بدهند تا صحت مطلب واضح‌تر و مبرهن از خطا شود. در مواردی از احکام اسلامی شهادت زن اصلاً پذیرفته نیست، فقط شهادت مرد عادل اهمیت دارد، مانند ماده ۱۷: «در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد، فقط به شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود» (همان، ۲۲۸). در این مسئله زنان حق شهادت ندارند. «در مواردی اصولاً شهادت زنان پذیرفته نیست و به آن ترتیب اثر داده نمی‌شود... در مواردی بر شهادت زنان تربیت اثر داده می‌شود ولی اولاً باید منضم به شهادت مرد باشد و ثانیاً شهادت دو زن، معادل شهادت یک مرد به حساب آمده است» (مهرپور، ۱۳۷۹: ۲۸۶).

از حقوق دیگر زنان در اجرا - همانند سایر کشورهای اسلامی - «ارث» است. «در ارث بردن، زن همانند مرد از حق ارث برخوردار است و در هیچ طبقه‌ای دختر یا زن به عنوان زن بودن از ارث محروم نیست» چیزی که در این میان باید به آن توجه کرد، حق ارث زنان است به سبب این که زن در قوانین حقوقی ایران اسلامی به اندازه نصف مرد سهم الارث دارد. «... علی‌الاصول سهم ارث زن نصف مرد است؛ یعنی دختر متوفی نصف سهم پسر او و خواهر نصف سهم برادر را می‌برد و در مورد زوجیت نیز سهم الارث زن نصف سهم الارثی است که شوهر می‌برد» (همان: ۴۱). مبنای اصلی حکم ارث و نصف بودن سهم الارث زن نسبت به مرد، قرآن کریم است که می‌فرماید: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ...: حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسر دو برابر دختر ارث برد، پس اگر همه دختر و بیش از دو تن باشند، فرض همه دو ثلث ترکه است...» (نساء: ۱۱). در نظام مالی خانواده، در حقوق ایران دو منبع دیگر مالی برای زن وجود دارد که در واقع می‌تواند کمبود ناشی از سهم الارث را جبران کنند و آن‌ها عبارتند از: مهر و نفقه.

«مهریه» یا مهر مالی است که در ازدواج اعم از دائم یا موقت به زن تعلق می‌گیرد. ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی مقرر داشته است: «هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرارداد» (عبادی، ۱۳۸۱: ۱۰۳). «نفقه» نیز یکی دیگر از منابع مالی و دارایی است که از طرف شوهر به زن داده می‌شود. «در بازنگری مصوب ۱۳۸۱/۸/۱۹ ماده ۱۱۰۷ نفقه را عبارت از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن دانسته است» (قربان‌نیا، ۱۳۸۴: ۲/۷۱). تأمین هزینه‌های خانواده توسط مرد نمی‌تواند مانع از ندادن نفقه به زن باشد. ماده ۱۱۰۷ می‌گوید: «نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضاء...» (مهرپور، ۱۳۷۹: ۴۳).

۷. سیر متعالی و به تکامل رسیدن زن

زن در خانواده نقش‌ها و کارکردهایی بر عهده دارد که برای پیوند و رابطه عاطفی و اخلاقی بهتر اعضا، موظف به انجام آن‌هاست و چون مردم ایران اغلب معتقد به دین اسلام هستند، از دیدگاه اسلام به این جنبه نگاه خواهد شد. یک زن پیش از هر چیز باید به این آگاهی رسیده باشد که او در جامعه و خانواده باید نقش‌هایی را بر عهده بگیرد و با این نقش‌هاست که هویت واقعی او بهتر

به نمایش گذاشته می‌شود. در این بخش، سه نقش زن به اختصار شرح داده می‌شود؛ مراحلی که در برگیرنده مسیر سعودی زن از خانواده پدر و مربیان اولیه خود تا کانون گرم و عاطفی همسر را شامل می‌شود.

۱. ۷. زن در نقش دختر: در این مقاله منظور نگارنده از زن، به طور کلی جنس مؤنث است به همین دلیل یکی از کارکردها و نقش‌هایی که زنان باید در برهه‌ای از زمان عهده‌دار آن باشند، نقش دختر بودن آن‌ها در خانواده است. دخترها اگرچه ظاهراً وظیفه و تکالیف زیادی برعهده آن‌ها نیست اما در مجموع باید خود را برای آینده آماده کنند که قرار است نقش همسری و مادری را برعهده بگیرند. بسیار قابل تأمل است که زرتشت آموختن دانش و هنر را برای دختران بیش از پسران لازم و ضروری شمرده و می‌گوید: «چون دختران همیشه در خانه هستند، باید بیش از پسران هنر آموزند. تا وقتی در خانه پدر هستند، در آرایش کارهای پدر و مادر بکوشند و پس از شوهر گزیدن در پیرایش کارهای خانه شوهر کوشش کنند و پس از آوردن فرزند باید آنان را به دانش و هنر پرورش دهند» (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۴).

۲. ۷. زن در نقش همسر: یک زن پس از پشت سرگذاشتن بخشی از زندگی‌اش باید بتواند وارد حیطه جدیدتری بشود که با خانواده پدری‌اش کمی فرق دارد؛ زیرا در خانواده پدری چیزی جزء نقش یک دختر را ایفا نمی‌کند اما در کنار همسر او باید بتواند در نقش یک همسر خود را به دیگران بشناساند و این نقش را به خوبی ایفا کند. یک زن در نقش همسری باید شوهردار خوبی باشد. آن چنان که اسلام آن را همانند جهادی برای زن ذکر کرده است و امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «جهاد المرأة حُسنُ التَّبَعْلِ: جهاد زن، نیکو شوهرداری است» (قائمی، ۱۳۶۳: ۱۶۲). مسئله دیگری که در نقش همسری برای زن متصور می‌شود کمک و تفاهم با شوهر است. او باید همیشه همکار و یار شوهرش باشد، با او تفاهم داشته و او را درک کند.

مشارکت زن در زندگی به همراه شوهر خود به معنای تقسیم مال و دارایی نیست بلکه به معنای شراکت در انجام وظیفه و همگام با تصمیم‌های مرد در پیشبرد مسیر زندگی به سوی کمال است و در صورت موفقیت در انجام وظایف خانوادگی، خود را سهیم و در صورت عدم موفقیت خود را میرا و برکنار از اشتباه نمی‌داند.

زنان در کنار شوهرانشان نه تنها مانع پیشرفت آنان نمی‌شوند بلکه باعث موفقیت و سربلندی آن‌ها می‌شوند و این مصداق همان ضرب‌المثل معروف است که «در پشت هر مرد موفق، زنی شایسته و موفق است». ازدواج یک امر نیک و پسندیده است آن‌گونه که در دین مبین اسلام راجع

به آن سفارشات زیادی شده است و همواره این موضوع را یادآور می‌شود که زن پاکدامن در کنار شوهر نیک‌سرشت باعث خیر و برکت در زندگی می‌شود. امام صادق در این زمینه می‌فرماید: «أَكْثَرُ الْخَيْرِ فِي النِّسَاءِ؛ بیشترین خیر و برکت در زنان است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۵: ۳/۳۸۵).

۷.۳. زن در نقش مادر: زن پس از ازدواج در مدتی کوتاه در نقش مادر ظاهر می‌شود و صاحب فرزند می‌شود؛ گرچه نگهداری و تربیت فرزندان و وظیفه شوهر و مرد خانه است اما به دلیل حضور بیشتر زن در خانه، به خصوص در سنین پایین کودکان، این امر را بیشتر مادر بر عهده دارد. «زن آگاه مسلمان می‌داند که بیش از شوهر در ساختن یا ویران کردن بنای اخلاقی کودک مؤثر است، سعادت‌ها و شقاوت‌ها تا حدود نسبتاً زیادی به مادران مربوط است» (قائمی، ۱۳۶۳: ۱۶۳). در حدیث ارزشمندی از خاتم النبیین (ص) این‌گونه آمده است: «إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعَظْمِهِ، فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مِصَّةٍ كَعَدِلِ عِتْقِ مُحَرَّرٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرْبَ مَلِكٍ عَلَى جَنْبِهَا وَ قَالَ: اسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ، فَقَدْ غُفِرَ لَكَ: هنگامی که زن باردار می‌شود، همانند روزه‌دار شب زنده‌دار و مجاهدی است که با جان و مالش در راه خدا جهاد می‌کند و هنگامی که فارق شود، پاداشی دارد که نمی‌دانی عظمت آن چه قدر است و هنگامی که شیر بدهد، در هر بار مکیدن، پاداش آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل (ع) برای اوست و آن گاه که شیردادن تمام شود، فرشته‌ای بر پهلوی او می‌زند و می‌گوید: عمل را از نو آغاز کن که بی‌تردید، آمرزیده شدی» (ابن بابویه قمی، ۱۳۸۴: ۴۱۲-۴۱۱).

نتیجه‌گیری

از آغاز آفرینش، زن همراه مرد بوده و این دو مکمل یکدیگر هستند. در قرآن به زن اهمیت زیادی داده شده اما در سطحی والاتر نقش مادری او را بسیار مورد احترام دانسته است. در کلام و حیانی ارزش زن و مرد به یک نسبت دانسته شده است و اگر آنان دارای تقوا و ایمان باشند، بیش از دیگران قابل تکریمند و زنان هستند که به مردانشان شخصیت و عزت می‌بخشند. در احادیث و سخنان گهربار پیشوایان مکرر توصیه به احترام گذاشتن به زنان شده است که این دیدگاه دال بر مقام قرب آنان در نزد پروردگار و ائمه اطهار (ع) است. مردانی بزرگ‌مرد خوانده می‌شوند که زنان را بزرگووار بشمارند. در کشور ایران در دوره‌های پیشین تا پیش از اسلام، زنان جایگاه بلندمرتبه‌ای داشته‌اند، به گونه‌ای که گاه به تخت پادشاهی رسیده‌اند (دوره‌های هخامنشی و ساسانی) اما پس از

آن به سبب دیدگاه منفی خلفای اموی و عباسی و نفوذ آنان بر حاکمان و امیران ایران و پس از آن استیلای قبایل زن‌ستیزی همچون ترکان و مغولان، کم‌کم از ارج زنان ایران کاسته شد. تا وقوع انقلاب مشروطه که زنان کم‌کم هویت از دست رفته خود را باز یافتند و در امور اجتماعی و خارج از خانه نیز مشارکت و ارزش خود را پیدا کردند. زن در تحکیم بنیان خانواده وظایفی از جمله بقای نسل و تربیت فرزندان، و از طرفی دیگر مایه سکون و آرامش خاطر در محیط خانواده می‌شود که این اعمال زمانی میسر می‌شود که ازدواج، آن سنت مقدس الهی اجرا شود. حقوق و وضعیت زنان ایرانی به سبب دیدگاه مردسالاری این مرز و بوم و دخالت حکام دیگر همواره مورد تعدی و ستم قرار گرفته بود تا آن که با شروع انقلاب مشروطه، زنان جایگاه خود را باز یافتند و در جهت رشد شخصیت و تعالی خود کوشیده‌اند. در نظام حقوقی ایران که بر مبنای احکام و سفارشات دین روشنگر اسلام است، در چند زمینه حقوق زن و مرد با یکدیگر متفاوت است، از آن جمله به کار گماشتن زنان در امر قضاوت، مشاغل امنیتی، تفاوت در سهم الارث و شهادت (گواهی) دادن آنان را می‌توان نام برد. در نهایت نقش‌های مختلف یک زن در طول عمر خود از قبیل نقش دختری، همسری، مادری در یک خانواده بررسی شد و از میان این مراحل زن در جایگاه مادری به مرتبه تقدس و تعالی می‌رسد.

کتابنامه

- قرآن کریم. (۱۳۸۴). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای. ج ۲. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی «شیخ صدوق». (۱۳۸۴). *امالی*. ترجمه شیخ محمدباقر کمره‌ای. تهران: انتشارات کتابخانه اسلامی.
- _____ (۱۳۸۵). *من لایحضره* _____.
- الفقیه. ترجمه محمد جواد غفاری. ج ۳. تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۳۸۲). *تحفة العقول*. ترجمه صادق حسن زاده. ج ۱. قم: انتشارات آل علی علیه السلام.
- _____ (۱۴۰۴ هـ.ق). *تحفة العقول*. ج ۱. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- اعتصامی، پروین. (۱۳۸۲). *دیوان اشعار*. به کوشش حسین خسروی. مشهد: انتشارات امامت.
- امامی، فیض‌الله. (۱۳۸۶). «نگاهی به شرایط سیاسی، اجتماعی زنان پیش از انقلاب مشروطه و تحولات مهم آن». مجموعه مقالات همایش ملی زنان و چالش‌های پیش رو. ایلام: انتشارات برگ زرین.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله. (۱۴۱۳ هـ.ق). *عوامل العلوم و المعارف*. ج ۱. قم: انتشارات مؤسسه الامام المهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف.
- بروسیوس، ماریا. (۱۳۸۹). *زنان در ایران باستان*. ترجمه و نگارش محمود طلوعی. تهران: انتشارات تهران.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *نهج الفصاحه*. ج ۱. تهران: انتشارات دنیای دانش.
- حیدری، زهره. (۱۳۸۸). «بررسی سیمای زن در ادبیات عامه با رویکرد به هزار و یک شب، سمک عیار، داراب‌نامه، سندبادنامه». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشکده زبان و ادبیات فارسی. دانشگاه پیام‌نور اصفهان.
- خلیلیان، خلیل. (۱۳۵۱). *سیمای زن در قرآن*. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- دورباش، فرحناز. (۱۳۸۹). «مشارکت اجتماعی زن در جامعه و نقش آن در توسعه اجتماعی». مجموعه مقالات اولین همایش منطقه‌ای نقش زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استان خوزستان. شوشتر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.
- شاکرین، حمیدرضا. (۱۳۸۴). پرسش‌ها و پاسخ‌های برگزیده. قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.

- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۴). نقش محوری زن در نهاد خانواده. <www.farhangolm.ir/legislation_Bank>. (دسترسی در ۲۵/۲/۱۳۹۴).
- طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. ج ۵. تهران: انتشارات مرتضوی.
- عبادی، شیرین. (۱۳۸۱). حقوق زن در ایران. تهران: انتشارات گنج دانش.
- علاسوند، فریبا. (۱۳۹۱). زن در اسلام. چ ۲. قم: انتشارات مرکز نشر هاجر.
- فهیم کرمانی، مرتضی. (۱۳۶۶). چهره زن در آینه قرآن و تاریخ. تهران: انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- قائمی، علی. (۱۳۶۳). نظام حیات خانواده در اسلام. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۴). بازی‌رویی حقوق زن. ج ۱. تهران: انتشارات روز نو.
- _____ (۱۳۸۴). بازی‌رویی حقوق زن. ج ۲. تهران: انتشارات روز نو.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۴۲۹ هـ.ق). کافی. ج ۳. قم: انتشارات دارالحدیث.
- لاهیجی، شهلا و کار، مهرانگیز. (۱۳۷۷). شناخت هویت زن ایرانی در گستره پیش از تاریخ و تاریخ. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ هـ.ق). بحار الانوار (ط- بیروت). ج ۱۰۰. بیروت: انتشارات داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۷۸). میزان الحکمه. ترجمه حمیدرضا شیخی. ج ۵. قم: انتشارات دارالحدیث.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. ج ۱۰. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- معین‌الاسلام، مریم. (۱۳۸۰). روانشناسی زن در نهج البلاغه. قم: انتشارات عصر سعادت.
- موحد، عبدالعزیز. (۱۳۸۹). «زن و جایگاه آن در جامعه». مجموعه مقالات اولین همایش منطقه‌ای نقش زنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی استان خوزستان. شوشتر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.
- مهرپور، حسین. (۱۳۷۹). مباحثی از حقوق زن از منظر: حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین‌المللی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- مهریزی، مهدی. (۱۳۸۱). زن در اندیشه اسلامی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نهج البلاغه. (۱۳۸۶). محمدبن حسین سیدرضی. ترجمه سیدجعفر شهیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.